فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۹۳-۷۱ New Period 4, No 31, 2021, P 71-93
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

مطالعه جامعه‌شناختی خیانت؛ نظریه زمینه‌ای در شمال و غرب تهران

اشکان ساوه دورودی[۱]. مریم السادات حسینی فر[۲]. سارا رفیعی‌پور[۳]
۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی ashkan.asd22@gmail.com
۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه البرز m_hosseinyfar@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی sara.rafieepour@gmail.com

چکیده

هدف از مقاله حاضر مطالعه معانی دربرگیرنده مفهوم خیانت و بررسی عناصر اجتماعی حاضر در آن موقعیت است. داده‌های تجربی مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ نفر از ساکنین شمال و غرب تهران گردآوری شده‌اند که خیانت کرده، خیانت دیده، یا از آن مفهوم پردازی کرده بودند. این داده‌ها بر اساس رویکرد نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند. پس از تحلیل داده‌ها مشخص شد که در تفسیر جمعی مردم خیانت امری منفی و رابطه شمول است که شکسته شدن حریم خصوصی، تخریب هویت، و انگ زنی را شامل می‌شود. همچنین مشخص شد کمبود نیازها، هویت نمایی، علاقه‌مندی، زمان، مکان، فضای مجازی، آگاهی، هنجارهای فرهنگی، پایگاه اجتماعی، مسائل اقتصادی، و دیگران مهم بر موقعیت خیانت اثر می‌گذارند و وقوع آن موجب تخریب هویت، اثرات مشقت بار جسمی و روانی، بی‌اعتمادی اجتماعی، اثرات ماندگار، و اثر بر ابعاد مختلف زندگی روزمره می شود.

واژه‌های کلیدی: خیانت، حریم خصوصی، هویت، انگ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مقدمه

بر مبنای مشاهدات اولیه پژوهشگران این مقاله، خیانت یکی از مفاهیمی است که در روابط اجتماعی افراد جامعه حضور پررنگی دارد و موجب گسست‌ها و پیوست‌هایی در فراگرد زیست اجتماعی آنان می‌شود، در پی آن نیز کنش های گوناگونی در سطح جامعه انجام می‌شوند که بر پیوندهای افراد در سطوح مختلف تاثیر می گذارند؛ همین امر نیز موجب برانگیخته شدن حساسیت پژوهشگران نسبت به موضوع خیانت شد. با مراجعه به تحقیق‌های پیشین مشخص گردید که به لحاظ جامعه شناختی پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده اند که در بیشتر آنها خیانت به عنوان یک مفهوم خاص، مختص زندگی زناشویی و موقعیت پیرامون آن در نظر گرفته شده است. چنین موردی تداعی گر این پرسش در ذهن محققان شد که آیا خیانت تنها محدود به رابطه زناشویی می‌شود؟ اگر این چنین است پس چرا در روابط دیگر نیز از این مفهوم استفاده می گردد؟ برای نمونه در ارتباط با وطن، از عباراتی چون خائن به وطن، خائن به ملت، وطن فروش و غیره استفاده می‌شود. پس از آن پرسش هایی دیگری نیز شکل گرفت: خیانت چه بازه‌ای از روابط اجتماعی را دربرمی گیرد؟ به راستی تفسیر جمعی مردم از مفهوم خیانت دربرگیرنده چه معانی است، و آیا می توان تعریف مشترک یا تشابهاتی در تفسیرهایشان یافت که ویژگی‌های خیانت را به عنوان یک مفهوم عام اجتماعی بیان کند؟ آیا تفسیر خیانت‌کنندگان و خیانت دیدگان تفاوتی با هم دارند؟ در موقعیتی که خیانت پدید می‌آید، چه عناصر اجتماعی ای و چگونه بر آن اثر می‌گذارند؟ و پدید آمدنش چه پیامدهایی برای زیست اجتماعی مردم دارد؟

این سوالات متعدد باعث شد تا پژوهشگران کاوش شان را در ادبیات نظری ادامه دهند، اما در کمال شگفتی متوجه شدند که به رغم حضور پررنگی که به نظر می‌رسد خیانت در روابط اجتماعی افراد جامعه داشته باشد، اما منابع جامعه شناختی ای که به صورت مضمونی بر خیانت متمرکز باشند تقریبا وجود ندارد. این مطلب تنها ادعای پژوهشگران این مقاله نیست و دیگرانی که در این زمینه تحقیق کردند نیز آن را تایید نمودند. (نک ۱۲/۱۳۹۸: ۱۸۱؛ ۱/۱۹۹۱: ۳) بر این مبنا و به جهت فقر نظری در این زمینه، پژوهشگران بر آن شدند تا در این مقاله از روش کیفی با رویکرد نظریه زمینه ای استفاده کنند زیرا که چنین رویکرد روش شناختی ای در پی آزمودن نظریه و یا برگزیدن چارچوب نظری نیست، بلکه خود در پی آن است تا نظریه‌ای را پایه گذارد. (۲/۱۳۹۶)

اهمیت بررسی مفهوم خیانت از آنجاست که معناها پایه‌های کنش‌های گوناگون اجتماعی هستند و دستیابی به معناها موجب دستیابی به گوهر کنش‌های اجتماعی می‌شود. (۳/۱۳۹۸) همانطور که در خطوط بالا اشاره شد، پدید آمدن خیانت می تواند بر زندگی زناشویی که شاکله نهاد بسیار مهم خانواده است اثر گذارد و موجب جدایی، طلاق عاطفی یا فروپاشی آن شود. (۱۲/۱۳۹۸) به علاوه این پدیده می‌تواند دیگر روابط که نظام نقش‌های اجتماعی بر مبنای آنها بنا شده‌اند، و به شکلی کلان تر نظم اجتماعی را متاثر کند. بدین

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جهت نتایج این بررسی می‌تواند ما را در تبیین و تحلیل پدیده خیانت، کنش‌ها و پدیده‌های گوناگونی که در سطح جامعه به موجب آن شکل می‌گیرند یاری رساند.

تحقیقات پیشین

همانطور که پیشتر ذکر شد عمده تمرکز تحقیقات پیشین بر پدید آمدن خیانت در زندگی زناشویی بوده و آن را به عنوان امری قبیح مطرح کرده‌اند. در این پژوهش‌ها خیانت به معنی برقراری رابطه عاطفی، جنسی، و یا هر دو مورد با فردی به غیر از همسر در نظر گرفته شده است. (۱۳/۱۳۹۵: ص ۱۱۰؛ ۱۴/۱۳۹۵) این گونه به نظر می رسد که اغلب افرادی که به همسرانشان خیانت می کنند زندگی پشت صحنه ای دارند. منظور از پشت صحنه که از نظریه گافمن وام گرفته شده است، به جایی اشاره دارد «که در آن افراد خود را برای کنش متقابل در جلوی صحنه و محیط های رسمی تر آماده می‌کنند. تماشاچیان عمدتا راهی به پشت صحنه ندارند اما در زندگی مشترک بر اساس این تعریف، پشت صحنه می تواند و باید برای زوجین گشوده باشد.» (۱۲/۱۳۹۸: ص ۱۹۵) بر همین مبنا، مفهوم خیانت به موقعیتی نسبت داده می شود که افراد راهی به پشت صحنه ندارند و در مقابل همسران برای پوشاندن این جنبه از زندگیشان، پنهان کاری، هاله پوشی، ظاهر سازی، و انکار می‌کنند و در مقابل برای آنکه محتوای فعالیت مراوداتشان را مخفی نگه دارند، جلوی صحنه را به گونه ای مقتدرانه مدیریت می نمایند که شیوه آنها برای مدیریت صحنه از طریق مقصر جلوه دادن طرف مقابل، و سرزنش کردن وی است. (همان) بررسی در این زمینه به دلیل آنکه در حیطه خصوصی ترین حریم زندگی افراد قرار دارد بسیار مشکل است و از میزان عهد شکنی افراد متاهل در جامعه ایران اطلاعات چندانی وجود ندارد اما بر مبنای افزایش چشمگیر آمار طلاق و بررسی‌های اندکی که انجام شده است این گمانه وجود دارد که پنجاه درصد از مردانی که ازدواج کرده اند، تا سن چهل سالگی رابطه جنسی با شخصی غیر از همسرشان برقرار کرده‌اند که این آمار برای زنان از بیست و پنج تا سی و سه درصد تخمین زده شده است. (۴/۱۳۸۷؛ ۱۶/۱۳۹۷) عوامل گوناگونی به عنوان زمینه‌های اجتماعی خیانت بیان شده‌اند که به طور کلی در ذیل دو مقوله اصلی زیر جای می‌گیرند:

۱-کنترل کننده‌های درونی: عبارت است از ضعف ناشی از عدم اعتقاد یا عدم التزام به رعایت احکام و وظایف دینی، عدم احساس عذاب وجدان و احساس گناه (۱۴/۱۳۹۵: ص ۱۳۴) و کم شدن پایبندی به اصول اخلاقی (۱۶/۱۳۹۷)

۲-کنترل کننده‌های بیرونی: ضعف قوانین موجود و عملکرد نهادهای دولتی و انتظامی در ایفای نقش بازدارندگی (۱۴/۱۳۹۵: ص ۱۳۵) و یادگیری‌های اجتماعی در قالب رفتارهای انحرافی (۱۳/۱۳۹۵).

هر چه افراد کنترل کنندگی بیشتری را بر روی خود احساس کنند پتانسیل خیانت کاهش، و هرچه نابسامانی اجتماعی (anomy) افزایش یابد، پتانسیل خیانت افزایش می‌یابد. در اینجا منظور از پتانسیل خیانت، احتمال خیانت، گرایش به خیانت، و توانایی نهفته در فرد برای خیانت است. با افزایش نابسمانی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

اجتماعی، ارزش‌ها تضعیف می‌شوند و فرد به جای ارزش های جمعی از ارزش‌های فردی پیروی می‌کند که در این شرایط تعهد زناشویی کم شده و پتاسیل خیانت افزایش می‌یابد؛ با کم شدن تعهد نیز اثر کنترل‌کنندگی ارزش‌های جمعی کاسته می‌شود. در روابط زناشویی هر چه نیازهای فرد پاسخگویی شوند پتانسیل خیانت کاهش، و هرچه افراد در مقایسه‌ی اجتماعی احساس محرومیت بیشتری کنند، پتانسیلش افزایش می‌یابد. به علاوه هر چه کیفیت‌هایی که جایگزین نیازهایی می‌گردند که توسط رابطه زناشویی پاسخ داده می‌شود بالاتر باشند، پتانسل خیانت نیز افزایش می یابد. (۱۳/۱۳۹۵) این کیفیت‌های جایگزین می‌تواند روابط خارج از چارچوب خانواده و خصوصیات شخص جدیدی که همسر با وی وارد رابطه شده، رفاقت‌های افراطی و هزینه کردن های نامتعارف در دوستی باشند. (۱۲/۱۳۹۸: ص ۱۹۴) به علاوه کم بودن فضای گفتگو در خانواده زمانی که زوج در کنار یکدیگر قرار دارند، عدم تامین نیازهای مالی، در کنار هم نبودن زوج به دلیل شرایط شغلی (۱۶/۱۳۹۷)، نارضایتی عاطفی، عوامل سنی، برآورده نشدن نیازهای جنسی، استفاده از ماهواره و شبکه‌های مجازی (۱۵/۱۳۹۴)، و بالاتر بودن سطح تحصیلات، درآمد و طبقه اجتماعی (۱۳/۱۳۹۵)، با احتمال ارتکاب به خیانت رابطه‌ای مستقیم دارند.

دیدگاه‌های نظری

در روابط مختلفی که افراد در طول زندگی اجتماعیشان برقرار می‌کنند، «ما» های گوناگونی را تشکیل میدهند. یک «ما» می‌تواند متشکل از دو دوست، یک جامعه، یک دین یا طبقه مشترک، یک گروه، یا یک جفت باشد. اساس تشکیل «ما» ها، پیش زمینه‌های مشترک، ارزش‌ها، تجربیات و اطلاعاتی است که در قالب اسرار و رازها به اشتراک گذاشته می‌شوند و برای آن «ما» مقدس هستند. (۱/۱۹۹۱: ص ۳۲) در واقع وجود همین رازهای به اشتراک گذارده شده، مهمترین مورد برای مرزبندی میان «ما» و «آنها» در روابط مختلف است. در خلال زندگی اجتماعی افراد عضویت در «ما» های گوناگونی را تجربه می‌کنند که در برخی مواقع این «ما» ها با یکدیگر در رقابت هستند. یکی از بحران هایی که افراد با آن روبه رو می شوند شرایطی است که باید از میان این «ما» ها دست به انتخاب بزنند. «خیانت اغلب خودش را به عنوان یک انتخاب به فردی که خیانت می کند ارائه می‌نماید. . . و به عنوان اقدامی علیه «ما» تحلیل می‌شود. این ما ممکن است یک ملت، همکاران یا یک خانواده باشد. این بدان معنی است که هر فرد به طور همزمان عضو چندین ما است که ممکن است خواسته‌های متضادی برای وفاداری فرد ایجاد کنند.» (۱/۱۹۹۱: ص ۱۴۴) در واقع حضاری که به عنوان کنشگر در آن موقعیت حضور دارند از فرد انتظار دارند که تغییر و لغزشی در نقشی که وی بر عهده گرفته و همواره ایفا می‌کند، نداشته باشد و به آن نقش وفادار و متعهد بماند. بر همین مبنا است که وقتی بی وفایی، کلاهبرداری و دروغگویی یکی از اعضا عیان می‌شود، این امر به عنوان خیانت تعبیر می‌گردد. (۵/۱۳۹۲: ص ۵۵-۵۶) در این میان انجام دادن یا ندادن هر عملی که مرزهای «ما» را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

نقض کند، می‌تواند به عنوان خیانت تعبیر شود که بازگو کردن و یا افشا کردن رازها و اطلاعات گروه، و ترک کردن گروه می‌توانند به عنوان اَشکال مختلف خیانت در نظر گرفته شوند. (۱/۱۹۹۱: ص ۹-۱۴) موقعیت خیانت از سه وجه تشکیل می‌شود: یک خیانتکار، یک خیانت دیده، و وجه دیگری که چه به عنوان سوم شخص یا حضار، نقش رابط را در آن خیانت ایفا می‌کنند و در واقع «دیگران مهم» آن موقعیت هستند. (۱/۱۹۹۱: ص ۳۳) در اینجا عضو سوم نقش مهمی را بر عهده دارد و می‌تواند سوم شخص و یا پدیده‌ای مجرد در نظام اجتماعی باشد که توسط آن رابطه ی میان افراد ممکن می‌شود. (۶/۱۳۸۹: ص ۲۱۲) هر گروه یا جمعیتی دارای ارزش‌های اخلاقی ای است که بر مبنای آنها عمل افراد را مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهند، که این ارزش‌های اخلاقی با مقتضیات زمان تغییر می‌کنند. در واقع قضاوتی که بر مبنای ارزش‌های اخلاقی آن جمع در مورد عمل آن فرد انجام میگیرد، به عنوان خیانت برچسب‌گذاری می‌شود. عموما وفاداری به لحاظ صحت و درستی‌اش، ارزشی فرازمانی و فرافرهنگی دارد و از بین رفتن اعتماد به عنوان امری نگریسته می‌شود که دیگر قابل ترمیم نیست. (۱/۱۹۹۱: ص ۵۰) از همین جهت خیانت به عنوان امری منفی در نظر گرفته می شود و فردی که خیانت نمی‌کند مورد احترام قرار می‌گیرد. در هر موقعیتی عملی که یک فرد به عنوان خیانت انجام می‌دهد برای عده‌ای منفعتی در پی دارد یا با اصول اخلاقی آنها همراستا است، و برای عده‌ای دیگر مضراتی دارد یا با اصول اخلاقیشان سازگار نیست. عملی که فرد انجام می‌دهد نیز بر مبنای انگیزه ای که به قصد و نیت اش نسبت داده می‌شود یا منفعتی که به آن گروه می‌رساند مورد قضاوت قرار میگیرد، در صورتی که انگیزه‌های منتسب به آن فرد با ارزش‌های اخلاقی آن گروه همراستا نباشد یا مثلا در ارتباط با یک هدف یا دشمن مشترک به آن گروه منفعتی نرساند، آن فرد به عنوان خائن برچسب می خورد. در واقع در صحنه اجتماع، قدرت گروه حمایت کننده از آن فرد در برچسب خوردن اش به عنوان خائن یا یک قهرمان نقش مهمی دارد. (۱/۱۹۹۱: ص ۴۰-۶۳) معمولا در مواردی که عمل فرد خائن با ارزش‌های اخلاقی سوم شخص همسو نباشد، حتی اگر به آن منفعت نیز برساند، دیدگاهش نسبت به فرد خیانتکار همراه با تحقیر است و عملش مورد قدردانی قرار نمی‌گیرد.

روش پژوهش و تحلیل یافته‌ها

این مقاله بر مبنای استراتژی کنش پژوهی، رسش کیفی و مطالعه میدانی با تکنیک مصاحبه عمیق در شمال و غرب تهران انجام شده است. مصاحبه‌ها با شیوه نمونه گیری گلوله برفی، هدفمند و نظری با ۳۰ نفر از ساکنین محدوده ی منطقه ۲ و ۵ شهرداری به صورت سهمیه ای نسبی بین ۱۵ آقا و ۱۵ خانم صورت پذیرفتند. پیش از انجام مصاحبه‌ها پژوهشگران به واسطه ی آشنایی قبلی با تنی چند از افراد آن مناطق، نفراتی را شناسایی کرده بودند که برای مصاحبه‌های ابتدایی و اشتراک گذاری تجربیات و داده هایشان،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

اعتماد لازم را به مصاحبه کنندگان می‌کردند. مصاحبه‌ها بازه ای از ۳۰ دقیقه تا ۲ ساعت داشتند. نمونه‌گیری هدفمند به این صورت انجام شد که افرادی که در محدوده‌ی مکانی مشخص شده برای تحقیق قرار داشتند و خیانت را در زندگی تجربه نموده بودند (چه خیانت‌کننده و چه مورد خیانت واقع شده) مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند. از آن جا که موضوع خیانت به حساس ترین و خصوصی ترین سطوح زندگی افراد مرتبط است، پژوهش گران نا گزیر بودند تا از تکنیک گلوله برفی در خلال نمونه‌گیری‌ها استفاده کنند، به این ترتیب که پس از انجام هر مصاحبه از فرد حاضر تقاضای کمک می شد که در صورت امکان افراد دیگری را برای مصاحبه معرفی نماید. فرایند نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری (۷/۱۳۹۶) ادامه پیدا کرد.

به دلیل مقتضیات فرهنگی و ارتباط خیانت با لایه‌های خصوصی زندگی افراد، این امکان وجود داشت که افراد در ارائه تجربیات خصوصیشان با یک مصاحبه گر هم جنس راحت تر باشند و اطلاعات کامل تری را به اشتراک گذارند، به همین دلیل در انجام مصاحبه‌ها از مصاحبه‌گر خانم و آقا استفاده شد. هر مصاحبه با یک سوال باز شروع می شد و پس از آن سوالات جزئی تر مطرح می‌گردید. در ابتدا از مصاحبه شوندگان سوال می‌شد که خیانت از نظر آنها یعنی چه؟ خیانت چه چیزی را به ذهن شان متبادر می‌کند؟ یا به نظر آنها خیانت دربرگیرنده‌ی چه معانی‌ای است؟ پس از آن متناسب با پاسخ آنها سوالات جزئی‌تری مطرح می‌شد. مصاحبه‌کنندگان با یادداشت برداری از نکاتی که شرکت‌کنندگان از معنای خیانت داشتند از آنها می‌خواست که اگر در این زمینه تجربه‌ای دارند با ایشان به اشتراک بگذارند تا روایت آنها را از تجربه خیانت بشنود. در این مرحله و به تناسب معانی‌ای که آنها از خیانت بیان کرده بودند، مصاحبه‌گران سعی می‌کردند تا سوالات بیشتری در ارتباط با تجربه شان مطرح نماید تا داده‌های بیشتری را به دست آورد. از آنجا که هدف این مقاله واکاوی مفهوم خیانت است، پیش‌بینی شده بود که ممکن است پاسخ‌هایی که افراد ارائه می دهند به صورت کلیشه ای و از روی مفاهیمی که به صورت عادتی در ذهنشان وجود دارند باشد. از این جهت مصاحبه‌گران در زمان مواجهه با پاسخ‌های کلیشه‌ای با طرح پرسش‌هایی متناسب در آن مقطع از مصاحبه، ایجاد نوعی مسئله‌آفرینی و سکته می‌کردند تا فرد بتواند به نوعی از این نظم عادتی عبور کند و به بیان هوسرل به مرحله‌ی خودِ بازنگر ورود نماید؛ این امر نیت و چرایی کنش‌های آنها را در موقعیت خیانت پدیدار می‌نمود. (۸/۱۳۹۱)

تحلیل یافته‌ها با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای استراس و کربین (۷/۱۳۹۶) انجام شده‌اند. هر یک از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی کد گذاری باز می‌شد. با استفاده از کدگذاری باز، هر قسمتی که مفهومی را می‌رساند به عنوان یک کد در نظر گرفته شد و پس از تشکیل جدول مفاهیم، مفاهیمی که با یکدیگر بیشترین اشتراک را داشتند در ذیل یک مقوله قرار می‌گرفتند که در نهایت با بررسی‌های بیشتر، مقوله‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

اصلی از فرعی متمایز شدند. در مرحله ی بعد با استفاده از کدگذاری محوری ارتباط بین مقوله‌ها کشف شد تا انگیزه‌های حساس (شرایط علی)، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، کنش/کنش متقابل‌ها، و پیامدهای مرتبط با پدیده مورد بررسی مشخص شدند. در مرحله آخر نیز با استفاده از کدگذاری گزینشی به صورت مستمر در داده‌ها رفت و برگشت شد تا با مقایسه آنها و استفاده از تخیل جامعه‌شناختی social imagination عنصر مرکزی‌ای که آنها را به یکدیگر مرتبط می کرد کشف گردد؛ و در نهایت یک مدل پارادایمی ساخته شد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها چیزی در حدود ۱۵ ساعت صوت ضبط شده بود، که تبدیل آنها به متن، تقریبا ۱۰۰ صفحه‌ی مستندسازی شده و حدود ۳۵۰۰ جمله را تشکیل داد؛ این مستند سازی ها در نهایت تشکیل ۲۳۹ مفهوم خام بر آمده از مصاحبه‌ها را دادند که در طول مراحل مختلف کدگذاری از آنها استفاده شد. پیش از ورود به بخش یافته‌های مقاله، در باب نحوه اجرای پژوهش ذکر این نکته بسیار مهم است که پژوهشگران در آغاز تنها با در اختیار داشتن پرسش‌هایشان وارد میدان پژوهش شدند، شروع کار با رجوع مستقیم به واقعیت بود، و در ابتدا ادبیات نظری برای چارچوب نظری و ساخت فرضیه مورد خوانش قرار نگرفت و پژوهش بدون پیش فرض صورت پذیرفت. ذکر این نکته به این دلیل است که در ادامه ممکن است تشابهاتی در یافته های این مقاله و نظریه اکستروم، که در بخش ادبیات نظری بیان شد، دیده شود. وجود چنین امری می‌تواند موکد بالا بودن روایی (reliability) در یافته‌های هر دو تحقیق باشد.

۱- واکاوی مفهوم خیانت

اصلیترین پرسش این مقاله که اساس این پژوهش را نیز تشکیل داده، آن است که تفسیر جمعی مردم از خیانت چیست؟ در این بخش علاوه بر این پرسش و تحلیل معانی دربرگیرنده مفهوم خیانت، بازه روابط اجتماعی ای که در بردارنده ی این مفهوم هستند، مورد بررسی قرار می گیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول۱: معانی تشکیل‌دهنده تفسیر جمعی مردم از خیانت

مقوله اصلی	مقوله فرعی یا مفاهیم
شکسته شدن حریم خصوصی به مثابه خیانت	شک داشتن/ بدبین بودن (۱۰)، برقرار کردن روابط موازی (۲۵)، پنهان کاری (۱۹)، عدم مسئولیت پذیری (۳)، نقش بازی کردن/نمایش دادن (۷)، با فرد دیگری وقت گذراندن (۱)، دروغ گفتن (۱۶)، سرکارگذاشتن (۳)، عدم رازداری/خبرچینی (۷)، عدم امانت داری (۲)، غیبت کردن (۱)، بی خبر ترک شدن (۲).
تخریب هویت به مثابه خیانت	مورد احترام گزاری واقع نشدن (۲)، احساس غارت شدن (۱)، خود تخریبی کردن (۵)، احساس قربانی شدن (۱)، ناراحت شدن/کردن (۱۰)، تخریب کردن دیگری (۲)، آسیب دیدن/ زدن (۱۰)، تحقیر شدن (۵)، صدمه زدن/دیدن (۳)، ضرر کردن/ زدن (۶)، عذاب وجدان داشتن (۱۲)، توهین کردن/ دیدن (۴)، تخریب اعتماد به نفس (۳)، مورد ظلم واقع شدن (۲)، خودکشی کردن (۱)، احساس مورد تجاوز واقع شدن (۱).
خیانت به عنوان یک انگ	هوس باز، کثیف، مطلقه، کثافت، سگ، احمق، حیوان، آشغال، فاحشه، خر، تنوع طلب، دیوانه، ناسالم، خیانت، بیمار جنسی، هرزه، خائن.
خیانت به عنوان امری منفی	امر ناپسند، بار منفی، احساس ناخوش آیند کردن، امری زشت، امری نادرست، احساس تنفر کردن، امری رنج آور.
خیانت به عنوان امری رابطه شمول	رابطه دوستی، رابطه کاری/ همکاری، رابطه زناشویی، رابطه دو نفره، رابطه جنسی، رابطه بین زن و مرد، رابطه خانوادگی، خیانت به کشور، خیانت در روابط بین‌الملل.

اعداد داخل پرانتز تعداد مصاحبه‌شوندگانی را نشان می‌دهند که به آن مقوله یا مفهوم اشاره کرده‌اند.

پیش از پرداختن به این مبحث نیاز است تا ابتدا دو عنصر حساس که در میدان تحقیق کشف شدند و از اساسی‌ترین عناصر مفهوم پردازی و کل موقعیت خیانت هستند، تعریف شوند.

۱-۱. حریم خصوصی

جدول۲: حریم خصوصی

مقوله اصلی	مقوله فرعی یا مفاهیم
اصول مشخص کننده حدود رابطه	پیمان بستن (۱)، ازدواج (۱۷)، اصول (۵)، قول دادن (۳)، مرزبندی ها (۱۱)، قرارداد (۱۳)، حریم خصوصی (۱۸)، چارچوب (۸).
اطمینان از رعایت شدن اصول مشخص شده	اعتماد (۱۶)، تعهد (۱۱)، پایبندی به عهد (۴)، صداقت (۶)، صمیمیت (۲).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

به مجموعه‌ی اصول، قواعد، چارچوب‌ها و مرزبندی‌هایی که افراد پس از بر قرار کردن ارتباط با دیگران و تشکیل رابطه با آنها در نظر دارند و یا تعیین می‌کنند، حریم خصوصی گفته می‌شود.

آنها با وضع این حریم موارد مشخصی را دنبال می‌کنند:

۱- در آن مرزبندی و چارچوب تنها حضور افراد مشخصی را با ضوابط مشخص می‌پذیرند.

۲- خود و دیگری (یا دیگران) را مجاز به داشتن انتظارات خاص از همدیگر می دانند.

۳- تعیین نموده‌اند که کنش‌های مشخصی را، به صورت انحصاری، تنها در آن نوع از رابطه انجام دهند.

پس از تشکیل حریم خصوصی افراد در پی آن هستند تا در شرایط گوناگون از رعایت شدن اصول حریم خصوصی‌شان اطمینان حاصل کنند و از آن حفاظت نمایند؛ بنابراین مفاهیم اعتماد، تعهد، صداقت و صمیمیت در این راه برایشان از اهمیت بالایی بر خوردار است، زیرا که برای آن‌ها به بار آورنده اطمینان خاطر از رعایت حریم‌ها می‌باشد. حریم خصوصی جایگاه نقش افراد را در روابط گوناگون مشخص می‌کند و برای آن‌ها به بار آورنده‌ی احساس آرامش و امنیت است.

۱-۲. هویت سازی

جدول۳: هویت‌سازی

مقوله اصلی	مقوله فرعی
پدید آمدن «ما» مشترک (رابطه مایی/ آنهایی)	رابطه دوستی (۱۵)، رابطه کاری/ همکاری (۱۳)، رابطه دو نفره (۳)، طرد شدن از گروه/ جمع (۳)، رابطه زناشویی (۱۰)، ترس از بخشیده نشدن (۳)، احساس مالکیت (۱)، رابطه جنسی (۱۰)، رابطه خانوادگی (۱۱)، رابطه بین زن و مرد (۳)، تلاش برای حفظ هویت مشترک (۱)، روابط بین‌المللی (۱)، هویت ملی (۱).
هویت دهی به خود	استقلال شخصی، تقویت اعتماد به نفس، احساس قدرت کردن.
احترام	احترام (۸)، حق و حقوق (۷)، هویت‌دهی به دیگری
هویت نمایی	هویت نمایی (۱۵)

یکی از بارز ترین نکاتی که تقریبا در اکثر مصاحبه‌ها مشهود بود، استفاده و ارجاع زیاد مصاحبه شوندگان به "خود"، در قالب استفاده از کلمه‌ی "من" بود؛ آنها با این روش در زمینه های گوناگون قصد ابراز هویت خود را داشتند. عباراتی از قبیل: "من ناراحت میشم"، "برام مهم نباشه"، "من دوست ندارم"، نمونه‌هایی هستند که به این امر اشاره می‌کنند. این ابراز وجود در واقع دلالت بر "وجودیت" آنها و تاکید

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

بر "هویتی" که داشتند، می‌کرد. این مفهوم که در جدول با عنوان "هویت نمایی" آمده است به مهم بودن و ارزشمند بودن "من" در نزد مصاحبه شوندگان اشاره دارد. منظور از «هویت نمایی» نمایاندن هویت به سه گونه است:

الف) نمایاندن آنچه که هستم

ب) نمایاندن آنچه که هستم به طور خواسته

ج) نمایاندن آنچه که نیستم ولی می‌خواهم و دوست دارم که باشم. هویت‌سازی پیش زمینه‌ای برای نمایاندن است زیرا باید ساخته شود تا نمایانده شود. (۹/۱۳۹۷: ص ۲۰۸)

کنشگران به دلایل مختلف هویت نمایی می‌کنند:

۱- برای نمایش تفاوت در منزلت و طبقه خود با دیگران.

۲- نمایش هویت غیرواقعی و مورد علاقه‌شان.

۳- برای آنکه خود را همانند دیگران به نمایش بگذارند.

۴- نمایش دادن منزلتشان

۵- برای آن که سلیقه خود را به نمایش گذارند. (همان: ص ۲۱۲-۲۱۳)

آنها در روابط گوناگونی که بر قرار می‌کنند نیز در پی بیان انتظارات و اولویت‌هایشان هستند تا به این صورت هویت نمایی کنند و هویت‌شان را تقویت نمایند. این هویت‌سازی در بعد فردی از تقابل با دیگران و با عضویت در گروه‌ها در قالب رابطه‌ی «من» و «آنها» حاصل می‌شود. با ایجاد شدن حریم خصوصی در روابط، افراد هویت‌سازی می‌کنند و به تناسب اینکه حریم خصوصی چه ابعاد و میزانی را دربر می‌گیرد، هویت‌سازی نیز م‌تواند گسترش یابد. علاوه براین افراد با عضویت در گروه‌ها هویت‌های جدیدی در قالب «ما مشترک» می سازند که تفکیک‌کننده‌ی روابط در قالب «مایی» و «آنهایی» است. هویت‌سازی‌ها از سطح خرد تا کلان و در قالب‌های گوناگونی انجام می‌شود که از قبیل روابط: دوستی، زناشویی، همکاری، خانوادگی، هموطنی و. . . هستند. پس از ساختن هویت‌های مختلف، افراد در پی آن هستند تا هویتشان را حفظ نمایند و توسط دیگران به رسمیت شناخته شوند، که در این راه احترام مفهومی اساسی است. افراد با هویت‌دهی به دیگران و احترام به حق و حقوق و هویتشان، در واقع در پی حفظ و به رسمیت شناخته شدن هویت‌های خودشان هستند. آنها از طریق ساختن این هویت‌های گوناگون، ارزشیابی می‌کنند و اعتماد به نفسشان را ارتقا می‌بخشند. به نظر می‌رسد چنین سازوکاری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان برای گروه‌ها و جماعت‌های مختلف می‌تواند صادق باشد.

---

۱. نظریه «هویت نمایی» اولین بار در رساله دکتری حسینی فر در سال ۱۳۹۳ مفهوم پردازی و سپس در کتاب جامعه‌شناسی مصرف و بازار، تنهایی و حسینی فر، ۱۳۹۷ به کار گرفته شد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

۱-۳. شکسته شدن حریم خصوصی به مثابه خیانت:

با در نظر گرفتن تعریفی که از حریم خصوصی شد، هر گونه کنشی که بر خلاف اصول، قرار دادها، عهدها و پیمان‌های به وجود آورنده‌ی رابطه، و نقض‌کننده‌ی اصول سه گانه‌ی حریم خصوصی باشد، و یا عناصر اطمینان بخش از رعایت این اصول را برهم زند، موجب شکسته شدن حریم خصوصی می‌شود و به عنوان خیانت نام می‌گیرد. سخن مصاحبه شونده ۲۹ نمونه‌ای از این مبنا است: "هر نوع رابطه موازی با رابطه ای که شما دارید میشه خیانت. میتونه کلام عاطفی باشه و تا رابطه جنسی پیش بره، ولی به طور کلی یک رابطه موازی با رابطه‌ای که شما توش هستید میشه خیانت؛ رابطه‌ای که همون عناصر رو داشته باشه."

۱-٤. تخریب هویت به مثابه خیانت:

یکی از بارزترین پیامدهای از بین رفتن اصول هر رابطه، "تخریب هویت" است. شکسته شدن حریم خصوصی موجب از بین رفتن هویت در تمام ابعاد می‌گردد؛ هم تخریب هویت فردی و هم تخریب هویتی که به واسطه‌ی حریم خصوصی در قالب "ما" ساخته می‌شود. بر همین مبنا هر گونه عملی که موجب تخریب هویت‌های ساخته شده از سطح خرد تا کلان گردد، به عنوان خیانت در نظر گرفته می‌شود. مصاحبه‌شونده ۲۱ که به واسطه تخریب شدن هویت فردی‌اش مورد خیانت واقع شده بود اینگونه می‌گوید: "حس بدی بود، انگار به چشم هرزه به من نگاه شده بود، چون بهم توهین می‌شد."

۱-۵. خیانت به عنوان یک انگ:

مصاحبه شوندگان به طرق مختلف و در موقعیت‌های گوناگون به یکدیگر انگ می‌زدند. این انگ زنی‌ها در دو سطح انجام می‌شد:

الف) انگ زنی در سطح فردی: در این سطح به فرد و یا افرادی مشخص، انگی نسبت داده می‌شد. این بازه می‌تواند خود فرد، و یا دیگران مهمی که در اطراف او هستند را در برگیرد. مصاحبه شونده ۶ نمونه ای از انگ زنی به خود است: "دو سال و نیم داشتم مثل سگ بهش خیانت می‌کردم، مثل یه حیوون از اعتمادش سو استفاده کردم."

ب) انگ زنی در سطح جمعی: این احتمال نیز وجود دارد که افراد به یک جمعیت بزرگ تر انگی را بزنند، جمعیتی که یا خود در آن جای می‌گیرند و یا آنکه خارج از آن حضور دارند. مصاحبه شونده ۷ که خود یک زن است در مورد مردها می‌گوید: "مردها همه تنوع طلبن." انگ زنی بار ارزشی دارد و بیان آن در برگیرنده‌ی معانی مختلفی می‌تواند باشد:

۱- ابراز انزجار و پشیمانی از کنشی خود کرده.

۲- ارزش‌زدایی از عمل یا اعمالی ناپسند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

۳- ارزش زدایی از موقعیتی نامطلوب.

۴- ارزش زدایی از فرد یا افرادی مشخص.

خیانت نیز نوعی انگ است که افراد در موقعیت‌های گوناگون آن را بر یکدیگر می‌زنند. اما این تنها انگی نیست که از آن استفاده می‌شود و چیزی که از مصاحبه‌ها برآمد آن بود که انگ زنی، کنشی متداول است که افراد در توصیف موقعیت‌ها و افراد گوناگون از آن بهره می‌برند.

۱-٦ خیانت امری منفی

چه در تعریف ذهنی مصاحبه شوندگان و چه در نمود عینی آن، خیانت امری نادرست و ناخوش آیند می‌باشد که برای آنها حس انزجارآوری را پدید می‌آورد. در موقعیت خیانت شکست حریم خصوصی، تخریب هویت و انگ زنی، ارتباطی هم‌فراخوان (mutual implication) با یکدیگر برقرار می‌کنند که برای افراد دربردارنده پیامدهایی ناگوار هستند؛ به همین دلیل عده‌ی بسیاری خیانت را مفهومی با بار منفی بیان کردند. مصاحبه شونده ۱۹ می‌گوید: "وقتی کسی بهم خیانت میکنه یا می‌شنوم کسی به کسی خیانت کرده حس تنفر بهم دست میده."

۱-۷. خیانت امری رابطه شمول:

بر مبنای تفسیر مشترک افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، خیانت امری است که تنها در قالب یک یا چند نوع رابطه ی خاص قرار نمی‌گیرد. همانطور که مصاحبه شونده ۸ می‌گوید:"خیانت این نیست که فقط توی زندگی زناشویی باشه، توی هر رابطه‌ای این امکان وجود داره." چنین چیزی دلالت بر آن دارد که خیانت ممکن است در هر گونه از روابطی که میان انسان‌ها به وجود می آید رخ دهد. بر اساس داده‌های بدست آمده از مصاحبه ها، خیانت بازه روابط از سطح خرد تا کلان را دربرمی‌گیرد که عبارتند از روابط: زناشویی، دوستی، خانوادگی، همکاری، بین‌المللی، و خیانت به کشور.

۲- تحلیل تفسیرهای جمعی از مفهوم خیانت

اصلی‌ترین سوالی که در این بخش پاسخ داده می‌شود این است که: تفسیر خیانت‌کنندگان و خیانت‌دیدگان چه تفاوتی‌هایی با هم دارند؟

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول۴:

		شماره مصاحبه شوندگانی که به این مقوله اشاره کردند
مفهوم پردازی از خیانت	شکسته شدن حریم خصوصی	همه مصاحبه شوندگان
	تخریب شدن هویت	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۰
	انگ زنی	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶
	امر منفی	۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۹
	امر رابطه شمول	۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۳۰
نوع رابطه تجربه شده در ارتباط با خیانت	دوستی	۴، ۷، ۹، ۱۶، ۱۷،
	دوستی با جنس مخالف (دوست دختر/ پسر)	۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶
	زناشویی	۱، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۳۰
	همکاری	۶، ۹
	روابط بین المللی و خیانت به کشور	۴، ۵
تجربه خیانت	هم خیانت کرده و هم خیانت دیده	۱، ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
	فقط خیانت دیده	۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۰
	تجربه خیانت ندارد	۵، ۱۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹

در نمای کلی شکسته شدن حریم خصوصی، در تفسیر جمعی همه‌ی مصاحبه‌شوندگان وجود دارد. اکثر مصاحبه‌شوندگان خیانت را تجربه کرده بودند که در این میان رابطه‌ی دوستی باجنس مخالف (دوست دختر/پسر)، پر تکرار ترین رابطه ی تجربه شده بود. در بررسی‌های انجام شده توالی تجربه‌ی خیانت، تاثیر یکسانی بر این مفهوم‌پردازی و کنش داشت؛ منظور از این قسمت آن است که افرادی که ابتدا خیانت دیده و یا کرده‌اند، در مفهوم‌پردازی و کنش‌شان، نمودی یکسان را نشان می‌دادند، به علاوه مفهوم ذهنی افرادی که فقط خیانت دیده یا خیانت‌دیده/ کرده‌اند نیز تفاوتی در مفهوم‌پردازی نداشتند. مصاحبه‌شوندگان ۵ و ۲۶ با آنکه تجربه‌ی خیانت را نداشتند، اما در قسمت روابط، برای آنها مواردی ذکر شده است؛ دلیل آن امر انگی است که به عنوان خیانتکار در گونه‌ای از روابط به آنها نسبت داده شده است در حالی که آن‌ها به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

بیان خود، در ذهن و عملشان کنشی فراتر از اصول و قواعد آن رابطه انجام نداده بودند و به نوعی به واسطه‌ی عدم درک متقابل این انگ بر آنها زده شده است.

با اینکه بیشتر خیانت‌های تجربه شده در روابط دوستی از نوع جنس مخالف، و زناشویی بودند، اما در طول مصاحبه‌ها و در مفهوم ذهنی کنشگران خیانت بازه‌ی وسیعی از روابط را دربرمی‌گیرد، روابطی که افراد به وسیله‌ی آنها هویت‌سازی می‌کنند؛ که این روابط در قسمت مقوله‌ی هویت‌سازی و همچنین طیف روابط، توضیح داده شده است.

نکته‌ی قابل توجه آن است که مصاحبه‌شوندگان ۱۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹ که تجربه‌ی خیانت را نداشتند و بر خلاف مصاحبه‌شوندگان ۵ و ۲۶ نیز در موقعیت خیانت قرار نگرفته‌اند، باز هم در ذهنشان نسبت به خیانت مفهم پردازی کرده‌اند، اگر چه قالب این مفهوم متشکل از شکسته شدن حریم خصوصی است اما مصاحبه شونده ۱۴ به تخریب هویت و منفی بودن خیانت نیز اشاره کرده است؛ که این امر نشان می‌دهد که برای مفهوم‌پردازی از خیانت به طور حتمی نیاز به تجربه خیانت و یا قرار گیری در موقعیت آن نیست.

۳- تحلیل موقعیت خیانت

در این بخش به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد: در موقعیتی که خیانت پدید می‌آید، چه عناصر اجتماعی ای و چگونه بر آن اثر می‌گذارند؟ و پدید آمدنش چه پیامدهایی برای زیست اجتماعی مردم دارد؟

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول ۵: عناصر موقعیت خیانت

جایگاه در موقعیت	مقوله اصلی	مقوله های فرعی یا مفاهیم
انگیزه‌های حساس	نیازها	نیازهای عاطفی: نیاز به باهم بودن [نیاز به هم صحبتی (۴)، همجواری(۲)، تنهایی(۵)، وابستگی(۸)]، نیاز به مورد توجع واقع شدن [مورد تمجید قرار گرفتن، مهم بودن(۲)، توجه دیدن (۸)، حمایت شدن (۴)]، لذت بردن [لذت(۸)، سرگرمی، نیاز به تنوع یا تنوع طلبی (۶)، اوقات فراغت داشتن (۴)، تجربه کردن(۳)، هیجان]، نیاز به محبت (۲)، نیاز به آرامش (۸)، نیاز به امنیت(۱۳)، نیاز به رابطه عاطفی (۱۰). کمبود نیازها: کمبود در رابطه(۱۲)، وجود مشکل در رابطه، بی توجهی دیدن(۶)، دعوا کردن(۶)، نارضایتی، قدردانی نشدن (۵). نیاز جنسی(۸)، خواسته ها و انتظارات (۵)
	علاقه‌مندی	علاقه داشتن(۵)، دوست داشتن(۱۳)، عشق(۱۲)، جذابیت ها(۷)، میزان ارزش فرد مقابل(۴)، میزان علاقه(۹)، عمق رابطه(۶)، وجود اشتراک ها(۲)، بی علاقگی دیدن(۲)، رابطه غیر جدی، میزان بی علاقگی (۴)
	هویت نمایی	به جدول ۳ مراجعه شود.
شرایط زمینه‌ای	زمان	زمان (۲۰)
	مکان	مکان (۱۰)
	فضای مجازی	فضای مجازی (۱۵)
شرایط مداخله گر	آگاهی	محاسبه گری: هزینه کردن(۴)، مقایسه کردن(۵)، منفعت بردن(۶)، نابرابری در رابطه(۲)، نقشه کشیدن، سو استفاده شدن/کردن(۴)، جبران کردن(۶)، برابری در رابطه(۲)، تاوان دادن، عدم پشیمانی(۲)، همدلی کردن(۷)، انتخاب کردن(۶)، محاسبه گری(۱۲)، معامله(۲)، وجدان(۴). شناخت: شناخت از خود(۵)، شناخت از دیگری(۵)، ویژگی های شخصیتی فرد مقابل(۷)، سنخیت داشتن(۲)، تفاوت در دیدگاه ها(۳)، درک متقابل(۵). ناآگاهی: عدم درک متقابل، پشیمانی(۵)، ناآگاهی(۵)، خودگول زنی(۳)، تصورات، عدم واقع بینی.
	پایگاه اجتماعی	شغل (۴)، روابط کاری، محیط کار(۲)، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی، تحصیلات(۳)، موقعیت خانوادگی(۵)
	هنجارهای فرهنگی	باورها و ارزش‌های اجتماعی: باورها (۷)، ارزش ها (۲)، اعتقادات دینی (۴)، کلیشه‌های جنسیتی(۷)، کلیشه قومی، ارزش‌های نانوشته/ پیش فرض‌های رابطه (۸)، ارزش های فرهنگی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

		عرف: عرف(۹)، فشارهای اجتماعی(۳)، قانون(۶)، تابو رابطه جنسی. تاثیرات مرحله جامعه پذیری: نابرابری جنسی(۲)، تجربه زیسته/تاثیرات متن اجتماع(۱۱)، تاثیر نگاه دیگران.
	مسائل اقتصادی	مسائل اقتصادی (۷)
	دیگران مهم	تاثیرات خانواده: تاثیر خانواده فرد(۱۰)، حمایت خانواده، تاثیر خانواده فرد مقابل(۴)، عدم حمایت خانواده، تاثیر فرزندان. اثرات فرد مقابل: تاثیر فرد مقابل(۵)، تغییر کردن فرد مقابل(۸). تاثیر گروه دوستان (۱۰)، تاثیر نفر قبلی/ رابطه گذشته (۷)، تاثیر مشاهیر (۱)
کنش/ کنش متقابل	کنش‌های پیشگیرانه	تهدید کردن (۶)، ایجاد تغییر و برسازی در رابطه (۴)، انکار کردن (۵)، کنکاش کردن (۲)، پیشگیری از آسیب دیدن (۳)
	کنش های جبرانی	انتقام گیری(۵)، درگیری فیزیکی، بخشش (۶)، جایگزین کردن (۵)، ترحم کردن (۳)، طلاق و جدایی (۵)، مصالحه کردن (۳)
	انگ زنی	به جدول ۱ مراجعه شود
پیامدها	تخریب هویت	به جدول ۱ مراجعه شود
	اثرات مشقت بار روانی و جسمی	اثرات روانی: خشم (۹)، حال بد، غم (۲)، رنج کشیدن، عذاب وجدان (۱۲)، اثر بر روج و روان (۹)، وسواس فکری (۳)، افسردگی (۷)، اضطراب و استرس(۳) اثرات جسمی: حساسیت شدید، بی اشتهایی، کاهش وزن، کهیر زدن، مشکلات معده
	بی اعتمادی اجتماعی	بی اعتمادی اجتماعی (۱۵)
	افزایش آگاهی از موقعیت	یادگیری(۲)، رشد کردن (۳)، تجربه اندوزی (۳)، واقع بینی (۳)، تغییر در تفکرات (۵)
	اثر بر زندگی روزمره	اثر بر رابطه دوستی، اثر بر خانواده، صدمه مالی، تغییر نقش، اثر بر شغل (۲)، اثر بر باورها و اعتقادات (۲)
	اثرات ماندگار	اثر ماندگار (۶)

۳-۱ انگیزه‌های حساس: هر کدام از افراد به نیازهای گوناگونی اشاره کردند که در روابطشان در پی برآوردن آنها هستند. این نیازها که به تفصیل در جدول بالا ذکر شده‌اند به سه دسته کلی: نیازهای عاطفی، نیاز جنسی، و خواسته‌ها و انتظارات تقسیم می‌شوند. برآورده نشدن هر یک از این نیازها از جانب هر یک از طرفین رابطه، می‌تواند انگیزه‌ای برای خیانت باشد. مصاحبه‌شونده ۱۳ در اینباره می‌گوید: "احتیاج داشتم با یکی حرف بزنم، مثلا من حرف می‌زدم همسرم میگفت چقدر تو داری حرف میزنی، چقدر داری غر میزنی، در صورتی که حرف من غر نبود، دوست داشتم بشنوه. به نظرم ادما وقتی احساس تنهایی میکنن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

یعنی خلائی توشون هست و احتیاج به حرف زدن پیدا می‌کنن و شنونده‌ای ندارن که حرفشو گوش بده مجبور میشن دنبال نفر سوم برن، نفر سوم که از اون قبلیه بهتره و بهتر حرف هاشو گوش میده و تائیدش میکنه." این احتمال نیز وجود دارد که در رابطه نیازهای افراد تا حدی برآورده شوند، اما آن سطح برای هر کدام از طرفین رضایت کافی را به وجود نیاورد. به علاوه بر آورده نشدن هر یک از انتظارات و خواسته‌های افراد در چارچوب آن رابطه، موجب می‌شود شرایط به گونه‌ای پیش آید که آنها نتوانند هویت‌نمایی کنند؛ به طور کلی تمایل به ابراز هویت، عنصری برای نقض مرزهای تعیین شده است. در همین راستا مصاحبه شونده ۲ می‌گوید: "تنها دلیل خیانتم این بود که من می‌گفتم چه چیزی از مردها کمتر دارم، به واقع من چیزی کم ندارم، من هم میتونم این کارو انجام بدم." علاقه‌مندی به فردی خارج از چارچوب‌های مشخص شده نیز می‌تواند در دو حالت انگیزه‌ای برای خیانت باشد: در حالت اول علاقه‌مندی به فرد یا افراد داخل حریم خصوصی تمام شده و یا در سطح پایینی قرار دارد. در حالت دوم علاقه‌مندی به فرد یا افراد حاضر در حریم خصوصی وجود دارد، اما در کنار آن علاقه‌مندی جدیدی در رابطه با فرد یا افرادی خارج از حریم پدید می‌آید. نکته‌ای که در ارتباط با اثرگذاریِ علاقه‌مندی به عنوان انگیزه‌ای حساس برای خیانت وجود دارد، میزان و شدت علاقه‌ای است که بوجود آمده است. هر سه عنصر اصلی در انگیزه‌های حساس، ارتباطی درهم تنیده با یکدیگر دارند و به شکلی توامان بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

۳-۲. شرایط زمینه‌ای: هر خیانتی در یک بستر زمانی و مکانی پدید می‌آید؛ این امر در روایت‌های مصاحبه شوندگان نیز مشهود بود. برای نمونه مصاحبه شونده ۲۳ در روایتش به زمان اشاره دارد: :"یه روز اسم منو اشتباه گفت و متوجه شدم که یک سال ونیم با اون هست." معمولا خیانت در جایی اتفاق می‌افتد که افراد در کنار یکدیگر حضور ندارند؛ اما همیشه نیز اینگونه نیست. فضای مجازی می‌تواند زمینه ای را فراهم کند که افراد در حالتی که در جوار همدیگر هستند نیز اقدام به خیانت نمایند؛ در بیشتر موارد افراد به واسطه استفاده از تلفن همراهشان این کار را انجام می‌دهند. از آنجا که شرایط زمینه‌ای بیانگر میزان و شدت وقوع پدیده مورد نظر و دیگر عناصر حاضر در موقعیت است (۱۰/۱۳۹۵)، ذکر نکته‌ای در اینجا ضرورت دارد. هر عملی در راستای مواردی که پیش از این اشاره شد به عنوان خیانت تلقی نمی‌شود؛ این امر که در بخش های مختلف مقاله با عنوان "شدت و میزان" ذکر گردیده، بیانگر آن است که شدت عملی که به عنوان خیانت در نظر گرفته می شود، و شدت پیامدهایی آن عمل، اهمیت فراوان دارند زیرا این دلایل زمینه نام نهاده شدن عملی به عنوان خیانت را فراهم می‌آوردند. برای نمونه مصاحبه‌شونده ۱۹ می‌گوید: "به نظرم هر آدمی میتونه خیانت کنه ولی در کل اون داستان باید خیلی بلد bold باشه که بهش بگی خیانت. خیانت باید خیلی بزرگ باشه، باید تبعاتش خیلی وسیع تر باشه تا بگی خیانت." به علاوه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

میزان انجام و تکرار آن عمل نیز در این راستا اهمیت بالایی دارد همانطور که همان مصاحبه‌شونده در مورد عمل مشخصی می‌گوید: "فقط یکبار نبود چند بار دیگه هم این اتفاق افتاده بود."

۳-۳. شرایط مداخله‌گر: همه کنش‌هایی که انجام می‌شوند یا نمی‌شوند، تحت تاثیر میزان آگاهی افراد نسبت به کلیت موقعیتی که در آن هستند می‌باشند. هر کدام از افراد حاضر در حریم خصوصی، به میزانی از اصول ارتباطشان آگاه هستند و به تناسب آن محاسبه‌گری می‌کنند و دست به انجام کنش می‌زنند. در طول هر رابطه نیز به واسطه‌ی کنش‌های متقابل، میزان شناختی از یکدیگر حاصل می‌شود و به عنوان اندوخته‌ی تجربی از هر فرد یا افراد آن حریم ذخیره می‌گردد؛ که البته ممکن است کافی و همه جانبه نباشد، زیرا این احتمال وجود دارد که دیگری یا دیگران یک رابطه، نسبت به عملی که از سوی طرف دیگر در راستای شکستن حریم یا هویت مشترکشان انجام می‌شود، آگاهی نداشته باشند که می‌تواند در قالب پنهان کاری، دروغ گفتن و موارد دیگر نمود پیدا کند. در هر رابطه برخی از اصول به صورت پیش فرض و بر مبنای عرف در نظر گرفته می‌شوند. به علاوه بر مبنای تجربیاتی که افراد در مراحل مختلف زیست اجتماعی شان بدست می‌آورند نیز با هنجارها آشنا می‌گردند. بر همین مبنا افراد معمولا کنش‌هایی را که مورد پسند جامعه و دیگران نیست و به عنوان خیانت در نظر گرفته می شود، آشکار نمی کنند. مثلا مصاحبه‌شونده ۵ می‌گوید:"یعنی تو کاری بکنی که نتونی به دیگران یا دیگری که رو به روی تو هست بگویی." بر این اساس برای پایان دادن به هر رابطه نیز قواعد مشخصی وجود دارد که افراد انتظار دارند دیگران ارتباط شان را بر همان مبنا تمام کنند. قراردادهای در نظر گرفته شده برای روابط می‌تواند شامل مواردی در ارتباط با مسائل مالی و مبادلات پولی نیز باشد و یا آنکه افراد انتظار داشته باشند تعهدات موجود در روابطشان مبادلات اقتصادی آن ها را هم در برگیرد. مصاحبه شونده ۴ می‌گوید: "داره از من حقوق میگیره که کار کنه، ولی اگر بنشینه پای فیسبوکش در ساعت کار، بدون این که به من بگه و اجازه ای داشته باشه یعنی قایمکی، این خیانته." این مورد می‌تواند در هم فراخوانی با پایگاه اجتماعی نیز باشد؛ فراتر از آن پایگاه اجتماعی هر فرد و خصوصیاتی که این پایگاه دارد بر خود فرد و روابط گوناگونش اثر دارد. علاوه بر این، تاثیری که پایگاه اجتماعی بر نظر دیگران در روابط مختلف، و روند آن روابط می‌گذارد نیز حائز اهمیت است. برای نمونه این پایگاه ممکن است شرایطی را به وجود آورد که افراد تصمیم به شکستن قول و قرارهایشان بگیرند. یکی دیگر از عناصر مداخله‌گر در موقعیت خیانت، دیگران مهم هستند. این مقوله که بازه وسیعی را دربرمی‌گیرد که در جدول بالا اشاره شده است، به مجموعه افرادی گفته می‌شود که برای هر فرد از اهمیت فراوان و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به واسطه ارزش و جایگاهی که هر کدام از این افراد دارند، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روند زندگی فرد، کنش‌هایش، و موقعیت خیانت اثر می‌گذارند. برای نمونه مصاحبه شوند ۴ از تاثیر مستقیم دوستش می‌گوید: "برگشتم دیدم (دوست دخترم) دست تو دست یکی از دوستام دارن میرن."

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

۳-٤ کنش/کنش‌های متقابل: عناصری که تا پیش از این ذکر شد همگی تشکیل یک ساخت اجتماعی را می‌دهند که افراد در مقابل آن کنش می‌کنند. این کنش‌ها به سه دسته کنش‌های پیشگیرانه، جبرانی، و انگ زنی تقسیم می‌شوند. مقوله‌های تشکیل‌دهنده کنش‌های پیشگیرانه که در جدول آمده است به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که به منظور جلوگیری از وقوع خیانت انجام می‌شوند. مثلا مصاحبه شونده ۲۰ می گوید: "من به شوهرم گفتم اگر به من محبت نکنی N نفر دیگه هستن که به من محبت کنن و هر وقت خواستم یه رابطه رو شروع کنم بهش آلارام دادم." پس از آنکه رخدادن خیانت مسجل شد و افراد با این پدیده مواجه گشتند، کنش‌های جبرانی انجام میشوند. انواع مختلف این کنش‌ها که در جدول آمده اند به مجموعه اعمالی گفته می‌شوند که برای جبران خیانت انجام می‌گیرند. در همین راستا مصاحبه شونده ۱۱ می‌گوید: "چون توی رابطه قبلیم که چند وقت اخیر بود خیانت دیدم، واسه همین فکر میکردم منم باید این کارو بکنم." انگ زنی نیز در قسمت‌های قبلی به تفصیل توضیح داده شد. نکته‌ای که در مورد این مقوله وجود دارد آن است که افراد تا مدت‌ها پس از خارج شدن از موقعیت خیانت و آن رابطه، باز هم ممکن است به انگ زنی شان ادامه دهند.

۳-۵ پیامدها: تقابل ساخت و فرایند در موقعیت خیانت، موجب پیامدهای وسیعی در سطح زندگی اجتماعی افراد می‌شود. پدید آمدن خیانت اثرات جسمی و روحی متعددی را به وجود می‌آورد که در پی آنها ادامه شرایط زندگی برای افراد دشوار می‌شود. از آنجا که جسم و روان هر دو در یک وجود قرار دارند، به طور معمول این اثرات مشقت بار هر دو با هم و به صورت توامان نمود می یابند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای خیانت "بی اعتمادی" است. پس از به وجود آمدنش افراد نه تنها به آن فرد مشخص که در حریم خصوصی وجود دارد بی‌اعتماد می‌شوند، بلکه نسبت به دیگران، در روابط و حریم های دیگر نیز اعتمادشان را از دست می‌دهند. برای مثال در مصاحبه‌ی ۱۶ می‌بینیم:

"مصاحبه‌گر: چه اثری روت گذاشت؟ مصاحبه شونده: اینکه دیگه به هرکسی به راحتی اعتماد نکنم، به همه بدبین میشی، راحت دل نمیبندم یا راحت رفاقت نمیکنم با کسی، و کسی رو شریک خودم نمیدونم که بخوام حسم رو بهش بگم یا رازی رو بهش بگم، و تصمیمی گرفتم همه چیزهام پیش خودم باشه." به عبارت دیگر به وجود آمدن این پدیده موجب بی‌اعتمادی نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی می‌شود. همانگونه که پیشتر به طور کامل توضیح داده شد، پدید آمدن خیانت موجب می‌شود که هر گونه هویت ساخته شده در سطح خرد تا سطح کلان مورد آسیب و تخریب قرار گیرد. در این میان هویت‌نمایی یکی از عناصری بود که همواره در طول مصاحبه‌ها نمودی فعال داشت؛ به واسطه‌ی خیانت هویتِ فردی‌ای که افراد دارند و در قالب هویت‌نمایی در پی ابراز آن می‌باشند ضربات بسیاری می‌بیند که در جدول تخریب هویت نیز ذکر شده است. پس از این رخداد نیز تمام عناصری که در قالب ساخت اجتماعی بر موقعیت خیانت اثر می‌گذارند، از پیامدهای آن اثر می‌پذیرند و این احتمال وجود دارد که ابعاد مختلفی از

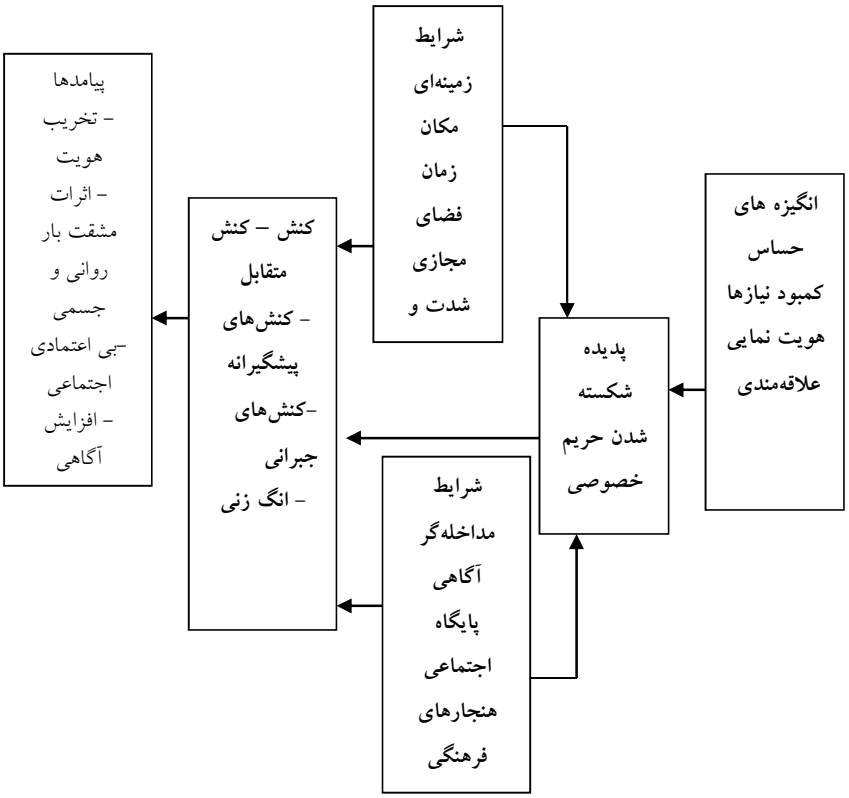
[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

زندگی روزمره افراد پس از تجربه خیانت تغییر کند. نکته‌ای که وجود دارد این است که اثر پیامدها تنها محدود به بازه‌ی زمانی کوتاه‌مدت و یا موقعیت خیانت نیست، بلکه ممکن است "اثری ماندگار" داشته باشد. این اثر ماندگار ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی آنها - چه در حال و چه در آینده را- می‌تواند در بازه‌ای بلندمدت و شاید همیشگی، متاثر کند. برای نمونه مصاحبه شونده ۴ که به واسطه شوک حاصل از مواجهه با خیانتِ همزمان دوست و دوست دخترش مشکل حساسیت غذایی پیدا کرد، پس از گذشت ۲۵ سال همچنان با آن مشکل دست و پنجه نرم می‌کند. البته پدید آمدن خیانت تنها به وجود آورنده‌ی اثرات مشقت بار نیست، بلکه می‌تواند اثرات مثبتی را نیز در پی داشته باشد. رخدادن آن می‌تواند موجب افزایش آگاهی نسبت به کلیت موقعیت تجربه شده شود. به این واسطه افراد شناخت همه جانبه‌تری از خود، دیگری و کلیت روابط اجتماعی بدست می‌آورند؛ اینکه هر کدام از افراد حاضر در هر موقعیت چه خصوصیات و ویژگی‌هایی دارند و به دنبال بر آوردن چه خواسته‌ها و انتظاراتی هستند. این امر تنها مربوط به رابطه حال حاضر آنها نمی‌شود، بلکه ممکن است موجب آگاه‌تر شدن و واقع بینی بیشتر آنها در روابط دیگر نیز گردد. مصاحبه شونده ۱۴ می‌گوید: "من سعی کردم از او ضرر برای رشد خودم استفاده کنم یعنی به خود این رو بقبولانم که تو ممکنه که توی این رابطه آسیب دیدی، ولی این باید باعث بشه که تو از این رابطه درسی بگیری که اول اون شناخت رو بدست بیاری. ضررش شاید روحی بوده و اذیت شدم ولی سعی کردم ازش استفاده کنم و در راستای بهتر شدن، خودم رو تغییر بدم." در پی چنین موردی ممکن است بازنگری و تغییراتی در تفکرات افراد به وجود آید که می‌تواند موجب کنش‌هایی در جهت بهبود روابط نیز بشود.

نتیجه‌گیری و بحث: شکسته شدن حریم خصوصی به عنوان خیانت

با رفت و برگشت در داده‌های خام و استفاده‌ی توامان از استقرا و قیاس در بررسی و تحلیل آنها، و همانطور که در جدول ۴ نیز همگی مصاحبه شوندگان به طور مستقیم یا غیرمستقیم اشاره کردند، مشخص شد مقوله‌ای که در موقعیت خیانت مرکزیت دارد و داده‌ها را به صورت یکپارچه به یکدیگر مرتبط و متصل می‌کند، شکسته شدن حریم خصوصی است. در مدل زیر نمای کلی و عناصر حاضر در موقعیت خیانت را ملاحظه می‌کنید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]



در این مقاله خیانت به عنوان یک موقعیت در نظر گرفته شد، که عناصر مختلفی در آن حضور دارند و با یکدیگر روابط گوناگونی را بر قرار می‌کنند؛ از این رو هیچ یک از مطالب بیان شده از دیدگاه خیانتکار، خیانت دیده و یا سوم شخص نبود، بلکه تلاش بر این بوده است تا با استفاده از تخیل جامعه‌شناسی و انتزاع، از بالا به این موقعیت نگریسته شود تا هر چه بهتر و بی‌طرفانه‌تر روابط فهم گردند. دلیل این امر آن است که بر مبنای نظر پژوهشگران این مقاله، افرادی که به عنوان سوم شخص، همدست، یا تماشاگران حاضر در صحنه در کنار طرف خیانتکار یا خیانت دیده قرار می‌گیرند در واقع نقش سهیل‌گر را در موقعیت خیانت بر عهده دارند. در اینجا با نظر گافمن نزدیکی وجود دارد که افراد حاضر در موقعیت، برای انجام اعمال و کنش‌هایشان، تشکیل تیم‌های مختلفی را می‌دهند و در واقع هر کنشی در صحنه خیانت یک اجرای تیمی است که می‌تواند از دیگران مهمی که در آن موقعیت حضور دارند، مثل: خانواده، دوستان و غیره، تشکیل شود. (۵/۱۳۹۲: ص ۲۵۸) وجود همین مورد نیز میتواند بر شدت و ضعف کنش‌ها و پیامدهای برآمده از موقعیت خیانت اثر گذارد. به علاوه در این مقاله، تاکید صرف بر روی اشتراک‌گذاری اسرار و اطلاعاتِ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

«مای مشترک» به عنوان مهمترین عنصر شکستن هویت‌های برساخته نبود، بلکه مهمتر از آن نقض قرار دادهای اجتماعی هستند که موجب شکسته شدن حریم خصوصی به عنوان خیانت می‌شوند.

همانطور که در بخش های مختلف مقاله اشاره شد، بر خلاف باور موجود در تحقیقات پیشین خیانت تنها مختص رابطه زناشویی نیست و در واقع امری رابطه شمول است که ممکن است در هر گونه از روابط اجتماعی میان افراد رخ دهد. به علاوه برمبنای مصاحبه‌ها، رابطه زناشویی حتی بیشترین رابطه ای نبود که مصاحبه شوندگان خیانت را در ارتباط با آن تجربه کردند، بلکه رابطه دوستی جنس مخالف (دوست دختر/ پسر) در این جایگاه قرار داشت.

چه در یافته‌های این مقاله و چه در نتایجی که در بخش تحقیقات پیشین و ادبیات نظری ذکر شد، خیانت کردن در میان مردم امری منفی است که تقبیح و تحقیر می‌شود. دلیل چنین چیزی در واقع پیامدهای رنج‌آوری است که شکستن حریم خصوصی، تخریب هویت‌های مشترک، و انگ خوردن برای افراد در پی دارد. یکی از این پیامدها که تاثیر بسیار مخربی بر جامعه و نظم اجتماعی دارد، «بی‌اعتمادی اجتماعی» است. در حالی که اعتماد یکی از مهمترین عناصری است که موجب قوام و دوام پیوندهای گوناگون در بخش‌های مختلف نظام اجتماعی می‌شود. اما چه کار می‌توان کرد؟

آنطور که از مصاحبه‌ها برآمد و در بخش‌های مقتضی نیز توضیح داده شد، کنش‌هایی که افراد در موقعیت خیانت انجام می‌دهند به واسطه میزان آگاهی و شدت علاقه‌مندی شان است. این مطالب نشان از آن دارد که با تمرکز بر این دو بخش می‌توان از به وجود آمدن پدیده‌ای چون خیانت جلوگیری کرد و یا آنکه از وقوع هر چه بیشتر آن در جامعه کاست. با آموزش افراد در سطوح مختلف توسط نظام آموزش‌وپرورش، رسانه‌ها و یا بخش‌های دیگر می‌توان به آگاهی افراد افزود تا نسبت به پیامدهای مخرب خیانت آگاه شوند و همانگونه که خود در پی هویت نمایی و ابراز وجودیت خود هستند، به وجودیت دیگران نیز احترام گذارند و موجب تخریب هویت‌های گوناگون آنها نشوند. این آگاهی دهی با همراهی ارتقای مهارت‌های مرتبط با علاقه‌مندی افراد، می‌تواند تاثیر بسیار موثرتری داشته باشد. افراد در طول مصاحبه‌ها به دوست داشتن و عشق اشاره کردند و به تناسب آن دست به کنش زدند. همانطور که اریک فروم (۱۱/۱۳۹۴) مطرح می‌کند عشق‌ورزی نوعی مهارت است که می‌توان آن را یاد گرفت و ارتقا داد. وی در نظریه‌اش عناصری را مطرح می‌کند که همگی در راستای مفاهیمی هستند که افراد برای حفظ حریم خصوصی و هویت‌هایشان، در پی آنها می‌باشند. استفاده از چنین نظریه‌هایی که موجب ارتقای مهارت‌های مرتبط با علاقه‌مندی افراد می‌شود، و آگاه‌سازی در این راستا از طریق نظام آموزش، رسانه و خانوده کمک می‌کند تا بروز خیانت در سطح جامعه کاسته و عشق‌ورزی به همراه عناصری چون تعهد و مراقبت جایگزین آن گردند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع و ماخذ

1. Malin Åkerström (1991). Betrayal and betrayers: the sociology of treachery. Transaction Publishers.

۲. بلیکی، نورمن، (۱۳۹۶)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، حسن چاوشیان، تهران، نی، یازدهم.

۳. بلومر، هربرت، (۱۳۹۸)، هم کنشگرایی نمادی: چشم انداز و روش، ح. ا. تنهایی، تهران، بهمن برنا، اول.

۴. کاوه، سعید، (۱۳۸۷)، همسران بی‌وفا و خیانت، تهران: سخن، اول.

۵. گافمن، اروینگ، (۱۳۹۲) نمود خود در زندگی روزمره، مسعود کیانپور، تهران، نشر علم، دوم.

۶. تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۸۹)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرندیز- بهمن برنا، ششم.

۷. استراوس، کوربین، آنسلم، جولیت، (۱۳۹۶)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای، ابراهیم افشار، تهران، نی، ششم

۸. تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۹۱)، بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مهم جامعه‌شناسی در مدرنیته در گذار، تهران:نشر علم، اول.

۹. تنهایی، حسینی فر، حسین ابوالحسن، مریم السادات، (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی مصرف و بازار، تهران: بهمن برنا، اول.

۱۰. تنهایی، نکهت، حسینی‌فر، حسین ابوالحسن، جواد، مریم‌السادات، (۱۳۹۵)، شیوه پایان‌نامه‌نویسی با راهبردهای قیاسی، استقرایی واکنش‌پژوهی، تهران، بهمن برنا، دوم.

۱۱. فروم، اریک، (۱۳۹۴)، هنر عشق ورزیدن، پوری‌سلطانی، تهران، مروارید، سی و یکم.

۱۲. ژیان پور، بهارلوئی، مهدی، مریم، (۱۳۹۸)، گریز از مدار ضعیف زندگی زناشویی کاوشی در معنا و فرایند شکل‌گیری خیانت، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰، ص ۱۷۹ تا ۲۰۰.

۱۳. اجتهادی، واحدی، مصطفی، گلناز، (۱۳۹۵)، بررسی جامعه شناختی پناتسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل موثر بر آن در بین کارکنان ادارات دولتی و خصوصی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۷، ص ۱۰۵ تا ۱۳۸.

۱۴. شرف‌الدین، صالحی‌زاده، سیدحسین، عبدالهادی، (۱۳۹۵)، زمینه‌های روابط فرا زناشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران، معرفت فرهنگی اجتماعی، ص ۱۱۷ تا ۱۳۸.

۱۵. فریدی، اعظم، (۱۳۹۴)، بررسی خیانت در روابط زناشویی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه پیام نور و آزاد شهرستان بیله سر (کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام‌نور، پرند)

۱۶. قرایی‌مقدم، امان‌الله، (۱۳۹۷/۱/۲۵)، (روابط نامشروع در زنان متاهل رو به افزایش است؟)
www.mokhbernews.ir

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]